

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی لندری
کانادا - ۳۰ مارچ ۲۰۱۰

عاشق مستانه

در دلم هر دم خیال روی جانانه بود
یار من رو آورد دایم به دلهای نژند
در خرابات و مناجات و به دیر و هم کنشت
چار فصل زندگی در چار فصل عشق جو
یار ما ساقی ما در بزم ما دایم بود
عقل و عشق اینجا نیاید راست در یکجا از ان
آفتاب روی او در قلب ویرانه بود
جام می در دست در هر کنج میخانه بود
کی کسی مانند من در عشق جانانه بود
تا غم دنیا ترا هر فصل افسانه بود
جام چون بخشد مرا آن جام رندانه بود
عقل کی داند ز عشقم چونکه دیوانه بود
لب به جام می نساید هیچ اندر یاد او
چون لطیف از عشق یارش مست و مستانه بود